

رابطه‌ی بین هوش هیجانی و شوخ‌طبعی در دانشجویان دانشگاه

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن (خودآگاهی هیجانی، خودابرازی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی) با شوخ‌طبعی در بین دانشجویان دانشگاه بود. برای دستیابی به اهداف پژوهش ۳۲۰ دانشجوی با روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های هوش هیجانی بار-آن و شوخ‌طبعی در مورد آن‌ها اجراء گردید. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین هوش هیجانی و کلیه‌ی مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی رابطه‌ی مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین، از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، سه مؤلفه‌ی خوش‌بینی، خودشکوفایی و شادمانی قادر به پیش‌بینی شوخ‌طبعی هستند. **واژه‌های کلیدی:** هوش هیجانی، شوخ‌طبعی

مقدمه

با وجود آن که مفهوم هوش از جمله مفاهیمی است که از گذشته تا به امروز مورد توجه بوده است، اما نکته‌ی مهم این است که در واقع از آغاز مطالعه‌ی هوش غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید شده است؛ در حالی که امروزه نه تنها جنبه‌های غیرشناختی هوش یعنی توانایی‌های عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند، بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده‌اند. در همین رابطه، یکی از مهم‌ترین مفاهیم تلفیق دهنده‌ی جنبه‌های شناختی (مانند تفکر) و غیرشناختی (مانند هیجان)، هوش هیجانی^۲ است (ونگ و لاو^۳، ۲۰۰۲). هوش هیجانی مفهوم جدیدی است که در سال‌های اخیر مطرح شده و در مقابل هوش

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان

2. Emotional Intelligence
3. Wong & Law

شناختی^۱ به کار می‌رود (به نقل از خشوعی، ۱۳۸۶). هوش هیجانی در واقع یک هوش غیرشناختی است که از نظر تاریخی ریشه در مفهوم هوش اجتماعی دارد و برای اولین بار توسط ثرندایک^۲ (۱۹۲۰) مطرح شد. به عقیده‌ی ثرندایک، هوش هیجانی توانایی مهم و مدیریت انسان‌ها برای عمل به شیوه‌ای خردمندانه در روابط انسانی است. پس از ثرندایک نیز گاردنر^۳ (۱۹۹۳) هوش اجتماعی را متشکل از هوش درون فردی و بین فردی می‌داند. در نظر گاردنر، هوش درون فردی شامل توانایی هوشی فرد برای مواجهه با خویشتن و ابراز مجموعه‌ای پیچیده و کاملاً متمایز از احساسات و هوش بین فردی شامل توانایی هوشی فرد برای مواجهه با دیگران، احساس کردن و تمیز قابل شدن بین اخلاق، انگیزه و نیت آن‌ها بود. اما پس از گاردنر، سالوی و مایر^۴ (۱۹۹۰) از جمله اولین افرادی بودند که هوش هیجانی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از هوش اجتماعی تعریف کردند که شامل توانایی کنترل احساسات و هیجانات خویش و دیگران، تشخیص احساسات و هیجان‌ها در خود و دیگران و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر و اقدامات خود فرد می‌باشد. گلمن^۵ (۱۹۹۵) نیز هوش هیجانی را شامل خودآگاهی، مدیریت و مهار هیجان‌ها، برانگیختن خویشتن، همدلی و دست‌کاری و اداره‌ی روابط می‌داند. در نهایت، بار-آن (۱۹۹۷) نیز همانند گلمن، هوش هیجانی را شامل مؤلفه‌هایی هم‌چون خودآگاهی هیجانی^۶، خودابرازی^۷، حرمت نفس^۸، خودشکوفایی^۹، استقلال^{۱۰}، همدلی^{۱۱}، مسئولیت‌پذیری اجتماعی^{۱۲}، روابط بین فردی^{۱۳}، واقع‌گرایی^{۱۴}، انعطاف‌پذیری^{۱۵}، حل مسئله^{۱۶}، تحمل فشار روانی^{۱۷}، کنترل تکانش^۱، خوش بینی^۲ و شادمانی^۳ می‌داند.

1. Cognitive Intelligence
2. Thorndike
3. Gardner
4. Salovey & Mayer
5. Goleman
6. Emotional Self-Awareness
7. Assertiveness
8. Self- Regard
9. Self-Actualization
10. Independence
11. Empathy
12. Social Responsibility
13. Interpersonal Relationship
14. Reality Testing
15. Flexibility
16. Problem Solving
17. Stress Tolerance

اما صرف نظر از این دیدگاه‌های نظری موجود، هوش هیجانی بالا با مؤلفه‌های روان‌شناختی متعددی هم‌چون رفتارهای مرتبط با سلامتی (اسلسکی و کارترایت^۴، ۲۰۰۲)، افزایش همدلی، خوش‌بینی، جرأت (کلمن، ۱۹۹۵)، کاهش افسردگی و پریشانی (دودا و هارت^۵، ۲۰۰۰؛ اسلسکی و کارترایت، ۲۰۰۲) مرتبط است. اما یکی از مهم‌ترین و بدیع‌ترین این مؤلفه‌ها شوخ‌طبعی^۶ است. شوخ‌طبعی که به تفاوت‌های عاداتی افراد در همه‌ی رفتارها، تجارب، عواطف، نگرش‌ها و توانایی‌هایی در ارتباط با سرگرمی، خندیدن، شوخی کردن و نظایر این‌ها اطلاق می‌شود (مارتین^۷، ۲۰۰۱)، یکی از مؤلفه‌هایی است که امروزه به‌علت ارتباط با عواملی هم‌چون افزایش شادی و شادکامی، خوش‌بینی، عزت نفس، احساس کنترل، همدلی، روابط اجتماعی و کاهش استرس، افسردگی، نگرانی، اضطراب، ترس و پرخاشگری مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است (به‌نقل از خشوعی، ۱۳۸۶). اما با وجود مزیت‌های متعدد هوش هیجانی و شوخ‌طبعی، تحقیقات اندکی به‌طور مستقیم رابطه‌ی بین این دو متغیر را مورد بررسی قرار داده‌اند، بدین معنی که اکثر محققان به بررسی رابطه‌ی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و شوخ‌طبعی پرداخته‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در زمینه‌ی رابطه‌ی هوش هیجانی و شوخ‌طبعی تحقیقات حاکی از رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر است (مک‌گی^۸، ۲۰۰۲). در همین رابطه، ییپ^۹ و مارتین (۲۰۰۶) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تنظیم هیجانی به‌طور مثبت با افزایش شوخی و بشاش بودن، و به‌طور منفی با خلق بد مرتبط است. علاوه بر این، توانایی ادراک هیجان‌ها به‌طور منفی با شوخی‌های خود تخریبی و پرخاشگرانه مرتبط است. تنظیم هیجانی شامل فرایندهایی است که افراد از طریق آن‌ها هیجان‌ها را تجربه و ابراز می‌کنند و در زمان مورد نیاز تحت تأثیر هیجان‌هایی قرار می‌گیرند که تجربه کرده‌اند (گروس^{۱۰}، ۱۹۹۸).

1. Social Responsibility
2. Optimism
3. Happiness
4. Slaski & Cartwright
5. Dawda & Hart
6. Humor
7. Martin
8. McGhee
9. Yip
10. Gross

اولین مؤلفه‌ی هوش هیجانی، خودآگاهی هیجانی است. در زمینه‌ی رابطه‌ی بین خودآگاهی هیجانی و شوخ‌طبعی، هامپس^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که رابطه‌ی بین شوخی و روابط همدلانه در بین افرادی که دارای هوش هیجانی هستند باعث می‌شود تا آن‌ها بتوانند به‌طور مؤثر با دیگران تعامل داشته باشند و همین مسئله منجر به ارتباط بین شوخی و خودآگاهی هیجانی می‌شود.

حرمت نفس نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌باشد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما از آن‌جایی که بین حرمت نفس و عزت نفس^۲ رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد، اکثر محققان محققان به بررسی رابطه‌ی بین عزت نفس و شوخ‌طبعی پرداخته‌اند. در همین رابطه، تحقیقات نشان داده‌اند افرادی که شوخ‌طبعی بالاتری دارند، عزت نفس بیشتری دارند (کولینسون^۳، ۱۹۸۸؛ کوئپیر^۴ و مارتین، ۱۹۹۳؛ رادریگوس^۵ و کولینسون، ۱۹۹۵؛ تورسون^۶ و همکاران، ۱۹۹۷؛ آبرامویتز^۷، ۲۰۰۰).

خودشکوفایی از جمله مؤلفه‌های هوش هیجانی است که با شوخ‌طبعی مرتبط است. در همین زمینه، به اعتقاد مزلو (۱۳۷۵) یکی از خصوصیات افراد خودشکوفای، داشتن شوخ‌طبعی فلسفی و غیر خصمانه است.

مؤلفه‌های دیگر هوش هیجانی، همدلی و روابط بین فردی هستند. در واقع، رابطه‌ی همدلی و روابط بین فردی با شوخ‌طبعی به این مسئله بر می‌گردد که اکثر افراد موقع شوخی کردن با دیگران بیشتر صحبت کرده و تماس‌های چشمی بیشتری با آن‌ها برقرار می‌کنند و همین مسئله باعث از بین رفتن موانع اجتماعی، ارتباطی و افزایش حس تفاهم و یک‌رنگی می‌گردد (سلتانوف^۸، ۱۹۹۵). تحقیقات نشان داده‌اند افرادی که شوخ‌طبعی بیشتری دارند، ممکن است از نظر اجتماعی شایستگی بیشتر داشته و در روابط بین فردی جذاب‌تر باشند (بل^۹ و همکاران، ۱۹۸۶؛ مستن^{۱۰}، ۱۹۸۶). در واقع، داشتن شوخ‌طبعی باعث ایجاد صمیمیت بیشتر و کاهش تنهایی می‌گردد (هامپس، ۱۹۹۲). از دیدگاهی دیگر، شوخی باعث افزایش اعتماد در روابط اجتماعی می‌گردد (هامپس، ۱۹۹۹). افرادی که شوخ‌طبعی بیشتری دارند، بهتر می‌توانند در مورد تعارض‌های بین فردی با دیگران به توافق برسند، در نتیجه رضایت بیشتر و در نهایت روابط

1. Hampes
2. Self-Esteem
3. Collinson
4. Kuiper
5. Rodrigues
6. Thorson
7. Abramovitz
8. Sultanoff
9. Bel
10. Masten

صمیمانه‌تری با دیگران دارند (مارتین، ۲۰۰۱؛ کیرش^۱ و کوئپر، ۲۰۰۳). شوخی از جمله عواملی است که باعث نیرومند شدن روابط اجتماعی (کلی^۲، ۲۰۰۲؛ مک گی، ۲۰۰۲)، ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی و انسجام گروهی می‌شود (روی^۳، ۱۹۶۰؛ لفاوی و مانوئل^۴، ۱۹۷۶). در همین زمینه نیز هامپس (۲۰۰۱) با بررسی ۱۲۴ آزمودنی به این نتیجه دست یافت که بین شوخی و روابط نزدیک بین فردی رابطه وجود دارد و همین امر سبب کاهش استرس و افزایش همدلی می‌گردد.

اما در زمینه‌ی رابطه‌ی واقع‌نگری با شوخ‌طبعی به استفاده از شوخی در درمان شخصیت‌های ضد اجتماعی می‌توان اشاره کرد. در واقع، شوخی با افزایش آگاهی و توانایی‌های اجتماعی، هیجانی و اخلاقی، افزایش خودبینشی و واقع‌نگری در بهبود افرادی با شخصیت ضد اجتماعی نقش مؤثری دارد (مارتنز^۵، ۲۰۰۴).

در زمینه‌ی رابطه‌ی انعطاف‌پذیری به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش هیجانی با شوخ‌طبعی، تحقیقات نشان داده‌اند افرادی که در شرایط استرس‌زا شوخ‌طبعی را به کار می‌برند، در مقایسه با افرادی که در شرایط آرامش از شوخ‌طبعی استفاده می‌کنند، از نظر هیجانی انعطاف‌پذیرتر هستند (مک گی، ۲۰۰۴).

رابطه‌ی حل مسئله به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی با شوخ‌طبعی، یکی دیگر از زمینه‌های تحقیقی است. در این زمینه، سولومون^۶ (۱۹۹۶) معتقد است شوخی یک فرایند سه مرحله‌ای است که با برانگیختگی شروع می‌شود، با حل مسئله و مشکل ادامه می‌یابد و با یک تصمیم به پایان می‌رسد. در واقع، شوخی با مهارت‌های حل مسئله مرتبط است. در همین رابطه، ایسن و همکاران^۷ (۱۹۸۷) نیز به این نتیجه رسیدند که شوخی توانایی حل مشکلات و مسائل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در زمینه‌ی رابطه‌ی بین تحمل فشار روانی^۸ و شوخ‌طبعی، اکثر تحقیقات به رابطه‌ی بین مقابله با فشار روانی با شوخ‌طبعی متمرکز شده‌اند. در همین رابطه، تحقیقات نشان داده‌اند که شوخی از فرد در مقابل تأثیرات منفی استرس محافظت می‌کند (لابوت^۹ و همکاران، ۱۹۹۰؛ ابل^{۱۰}، ۲۰۰۲). علاوه بر این، مطالعات

1. Kirsh & Kuiper
2. Kelly
3. Roy
4. LaFave & Mennell
5. Martens
6. Solomon
7. Isen
8. Stress- Tolerance
9. Labbott
10. Abel

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که شوخی باعث کاهش استرس می‌شود (مارتین و لفقورت^۱، ۱۹۸۳؛ کان و همکاران^۲، ۱۹۹۹).

یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی، خوش بینی^۳ است. تحقیقات نشان داده‌اند افرادی که در پرسش‌نامه‌ی شوخ‌طبعی نمرات بالاتری می‌آورند، در فاکتورهای سلامت روان‌شناختی مانند خوش‌بینی نیز نمرات بالاتری کسب می‌کنند (کوروکو و هانا^۴، ۱۹۹۴؛ تورسون و همکاران، ۱۹۹۷).

شادمانی^۵ از جمله مؤلفه‌های هوش هیجانی است که رابطه‌ی آن نیز با شوخ‌طبعی، بسیار مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات نشان داده‌اند شوخی با حالات هیجانی مثبت مرتبط است (مارتین، ۲۰۰۱). شاید آشکارترین حالت هیجانی مثبت شوخی و خنده که هر فردی می‌تواند در چهره‌ی افراد ببیند، شادی و شادکامی باشد. اما نکته‌ی حائز اهمیت به عقیده‌ی مک‌گی (۲۰۰۲) این است که ارتباط بین شوخی و شادی همانند یک خیابان دو طرفه است. بدین معنا که انسان‌ها گاهی به این علت شوخی می‌کنند که در آن لحظه شاد هستند، اما گاهی شوخی می‌کنند تا شاد شوند. چه بسا لحظه‌های زیادی اتفاق افتاده است که دوست صمیمی خود را ناراحت دیده‌ایم و سعی کرده‌ایم با گفتن لطفیه‌ای دل او را شاد کنیم. کوهن^۶ (۲۰۰۱) نیز با بررسی رابطه‌ی بین شادمانی و شوخی دریافت که شوخی به‌عنوان ابزاری مؤثر موجب افزایش شادی و شادمانی و کاهش اضطراب و استرس می‌گردد.

در مجموع، با توجه به نقش مهم هوش هیجانی در شوخ‌طبعی، پژوهش حاضر درصدد بود تا در راستای تحقیقات پیشین به بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن (خودآگاهی هیجانی، خود ابرازی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی) با شوخ‌طبعی در دانشجویان پردازد. بر این اساس، فرضیه‌های زیر تدوین و مورد بررسی قرار گرفت:

۱- بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی رابطه وجود دارد.

۲- ترکیبی از مؤلفه‌های هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی شوخ‌طبعی هستند.

1. Lefcourt
2. Cann
3. Optimism
4. Korotkov & Hannah
5. Happiness
6. Cohen

روش پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش وضعیت موجود بررسی شده است، روش پژوهش از شیوه‌های توصیفی می‌باشد. همچنین، از آنجایی که در این پژوهش همبستگی و رابطه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی مورد بررسی قرار گرفته است، روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، دانشجویان دانشگاه اصفهان بودند که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ در یکی از دانشکده‌های دانشگاه اصفهان مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌ی مورد بررسی به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از میان دانشکده‌های دانشگاه اصفهان، چهار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، زبان‌های خارجی، فنی و مهندسی و علوم اداری و اقتصاد به‌طریق تصادفی انتخاب شدند. در مرحله‌ی بعد، از هر دو دانشکده ۳ کلاس انتخاب شدند و دانشجویان کلاس پرسش‌نامه‌های هوش هیجانی و شوخ‌طبعی را تکمیل کردند. تعداد نمونه ۳۲۰ نفر (۱۵۲ مرد، ۱۶۸ زن) با دامنه‌ی سنی ۱۹ تا ۳۵ سال و میانگین سنی ۲۱/۶۵ سال بود.

ابزار سنجش

در این پژوهش از دو پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی و شوخ‌طبعی استفاده شده است:

(۱) برای سنجش هوش هیجانی از پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی بار-آن استفاده شده است. این پرسش‌نامه که توسط بار-آن ساخته گردید، با ۱۳۳ سؤال، پنج عامل مرکب و پانزده خرده مقیاس یا مؤلفه (خودآگاهی هیجانی، خودابرازی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی) دارد. پاسخ به سؤالات با روش لیکرت (هرگز، به‌ندرت، گاهی، معمولاً، همیشه) است و به هر سؤال نیز بر اساس پاسخ آزمودنی‌ها از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. برخی ماده‌ها به‌صورت مثبت و برخی به‌صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند.

در تحقیقی که بار-آن (۱۹۹۷) در مورد ضریب بازآزمایی هوش‌بهر هیجانی در یک نمونه‌ی آفریقایی جنوبی انجام داد، میانگین ضرایب پایایی بعد از یک ماه ۰/۸۵ و بعد از چهار ماه ۰/۷۵ بود. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است. در یک مطالعه، دهشیری (۱۳۸۲) با مطالعه بر روی ۳۵ آزمودنی، در فاصله‌ی زمانی یک ماه، ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۷۳ را برای این آزمون به‌دست آورد. روایی این آزمون نیز با روش تحلیل عاملی اکتشافی در پژوهش دهشیری محاسبه گردید که از بین ۱۳ عامل در ساختار عاملی نمونه‌ی آمریکای شمالی (بار-آن، ۱۹۹۷) ۸ عامل برای آزمودنی‌های

ایرانی روایی داشت. علاوه بر این، گل پرور و همکاران (۱۳۸۴) نیز برای شکل ۹۰ سؤالی این پرسش‌نامه ضرایب آلفای کرونباخ، اسپیرمن-براون، گاتمن و بازآزمایی این پرسش‌نامه را به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۰، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ گزارش نمودند.

۲) برای سنجش شوخ‌طبعی از پرسش‌نامه‌ی شوخ‌طبعی استفاده گردید. این پرسش‌نامه یک پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته با ۲۵ سؤال است که بر روی یک طیف هفت درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدی موافقم، نظری ندارم، تا حدی مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم) با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش از نوع واریماکس مورد تحلیل عوامل قرار گرفت و یک ساختار پنج‌عاملی (لذت از شوخی^۱، خنده^۲، شوخی کلامی^۳، شوخ‌طبعی در روابط اجتماعی^۴ و شوخ‌طبعی در شرایط استرس آور^۵) به دست داد. پایایی پرسش‌نامه نیز به وسیله‌ی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) بر روی یک نمونه‌ی ۴۰ نفری محاسبه شد که به ترتیب برای هر بعد ۰/۷۴، ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۹ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۲ به دست آمد. بنابراین، در مجموع نتایج حاکی از ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) رضایت‌بخش برای کل پرسش‌نامه و همه‌ی ابعاد آن بود.

لازم به ذکر است که در این پرسش‌نامه هر آزمودنی برای هر مؤلفه یا بُعد، نمره‌ای جداگانه دریافت کرده و برای کل پرسش‌نامه نیز یک نمره‌ی نهایی دریافت می‌کند و نمره‌ی بالا در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده‌ی شوخ‌طبعی بیشتر خواهد بود. در این پژوهش فقط نمره‌ی کل پرسش‌نامه مدنظر قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) ارائه شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی «روابط بین فردی» دارای بالاترین میانگین و «تحمل فشار روانی» دارای بیشترین پراکندگی می‌باشد. همچنین، میانگین و انحراف معیار کل پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی به ترتیب ۴۵۴/۲۵ و ۴۷/۲۳ و پرسش‌نامه‌ی شوخ‌طبعی ۱۰۳/۳۹ و ۲۷/۷۱ می‌باشد.

1. Enjoyment of Humor
2. Laughter
3. Verbal Humor
4. Sense of Humor in Social Relations
5. Sense of Humor in Stressful Conditions

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و شوخ‌طبعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار
خودآگاهی هیجانی	۲۹/۴۴	۳/۷۸
خودابرازی	۲۱/۳۸	۴/۷۲
حرمت نفس	۳۳/۶۰	۴/۸۹
خودشکوفایی	۲۹/۰۷	۵/۶۴
استقلال	۲۴/۴۸	۵/۷۶
همدلی	۳۱/۳۶	۵/۹۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۴۴/۵۲	۶/۷۸
روابط بین فردی	۴۰/۰۷	۶/۲۲
واقع‌گرایی	۳۰/۲۷	۶/۶۹
انعطاف‌پذیری	۳۴/۳۹	۵/۶۶
حل مسئله	۲۵/۱۳	۷/۳۵
تحمل فشار روانی	۲۰/۶۵	۷/۸۵
کنترل تکانش	۳۰/۳۹	۶/۱۲
خوش بینی	۳۱/۴۱	۴/۹۰
شادمانی	۲۸/۰۹	۴/۲۲
کل هوش هیجانی	۴۵۴/۲۵	۴۷/۲۳
شوخ‌طبعی	۱۰۳/۳۹	۲۷/۷۱

اما برای بررسی فرضیه‌ی اول یعنی رابطه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی نشان داده شده است.

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، بین خودآگاهی هیجانی، خودابرازی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی، شادمانی و در نهایت، کل هوش هیجانی با شوخ‌طبعی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. از بین ضرایب بالا ضریب همبستگی مؤلفه‌ی خوش‌بینی با شوخ‌طبعی در بالاترین حد ($r=0/704$) و ضریب همبستگی مؤلفه‌ی خودشکوفایی با شوخ‌طبعی در پایین‌ترین حد ($r=0/113$) بوده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین هوش هیجانی و شوخ طبعی

معناداری	ضریب همبستگی	شوخی طبعی هوش هیجانی
۰/۰۰۰	**۰/۵۲۲	خودآگاهی هیجانی
۰/۰۰۰	**۰/۵۲۰	خودابرازی
۰/۰۰۰	**۰/۴۳۳	حرمت نفس
۰/۰۴۳	*۰/۱۱۳	خودشکوفایی
۰/۰۰۰	**۰/۵۱۶	استقلال
۰/۰۰۰	**۰/۴۸۴	همدلی
۰/۰۰۰	**۰/۵۱۵	مسئولیت پذیری اجتماعی
۰/۰۰۰	**۰/۵۴۵	روابط بین فردی
۰/۰۰۰	**۰/۳۹۷	واقع گرایی
۰/۰۰۰	**۰/۵۰۱	انعطاف پذیری
۰/۰۰۰	**۰/۳۹۹	حل مسئله
۰/۰۰۰	**۰/۵۴۳	تحمل فشار روانی
۰/۰۰۰	**۰/۵۴۲	کنترل تکانش
۰/۰۰۰	**۰/۷۰۴	خوش بینی
۰/۰۰۰	**۰/۳۴۶	شادمانی
۰/۰۰۰	**۰/۵۲۰	کل هوش هیجانی

**P < ۰/۰۱

*P < ۰/۰۵

اما، برای بررسی فرضیه دوم از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

چنان که در این جدول دیده می شود، در تحلیل رگرسیون گام به گام، طی سه گام، سه مؤلفه‌ی خوش بینی، خودشکوفایی و شادمانی با شوخ طبعی دارای همبستگی چندگانه است. بر اساس اهمیت، ترتیب متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون گام به گام در اولین گام، خوش بینی با شوخ طبعی دارای ضریب همبستگی ۰/۷۰۴ بوده است. در گام دوم، با افزوده شدن خودشکوفایی ضریب همبستگی به ۰/۷۰۹ رسیده است. میزان ضریب همبستگی اضافه شده برای خودشکوفایی ۰/۰۰۵ بوده است. در گام سوم، با افزوده شدن شادمانی ضریب همبستگی چندگانه به ۰/۷۱۴ رسیده است. میزان ضریب همبستگی

رابطه‌ی بین هوش هیجانی و شوخ‌طبعی ... ۱۰۵

افزوده شده برای شادمانی نیز ۰/۰۰۵ بوده است. در مجموع، این سه متغیر قادر به تبیین ۵۰/۹ درصد واریانس شوخ‌طبعی بوده‌اند که ۴۹/۵ درصد مربوط به خوش‌بینی، ۰/۸ درصد مربوط به خودشکوفایی و ۰/۶ درصد مربوط به شادمانی بوده است.

جدول ۳- خلاصه‌ی یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام برای پیش‌بینی شوخ‌طبعی

خطای استاندارد برآورد شده	ضریب همبستگی تعدیل شده	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی چندگانه	شاخص‌های آماری متغیرهای وارد شده در تحلیل گام به گام
۱۹/۷۲	۰/۴۹۴	۰/۴۹۵	۰/۷۰۴	خوش‌بینی
۱۹/۵۹	۰/۵۰۰	۰/۵۰۳	۰/۷۰۹	خودشکوفایی
۱۹/۵۰	۰/۵۰۵	۰/۵۰۹	۰/۷۱۴	شادمانی

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون گام به گام را در پیش‌بینی شوخ‌طبعی مورد تأیید ($F=109/39$ و $P<0/000$) قرار می‌دهد.

جدول ۴- تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه به روش گام به گام برای پیش‌بینی شوخ‌طبعی

معناداری	فراوانی	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۱۰۹/۳۹	۴۱۶۱۹/۰۵	۳	۱۲۴۸۵۷/۲	رگرسیون
-----	-----	۳۸۰/۴۳	۳۱۶	۱۲۰۲۱۶/۸	باقیمانده
-----	-----	-----	۳۱۹	۲۴۵۰۷۴	کل

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، در تحلیل رگرسیون به روش گام به گام، طی گام نهایی (گام سوم) سه متغیر خوش‌بینی، خودشکوفایی و شادمانی برای پیش‌بینی شوخ‌طبعی وارد معادله‌ی رگرسیون شده‌اند. به ترتیب، همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، خوش‌بینی با ضریب بتای ۰/۶۹۸ و با $p<0/000$ ، و شادمانی با ضریب بتای ۰/۰۷۸ و با $p<0/046$ رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارد. این نتایج نشان دهنده‌ی آن است که افزایش خوش‌بینی و شادمانی، افزایش شوخ‌طبعی در افراد را پیش‌بینی می‌کند. اما توان خودشکوفایی با ضریب بتای ۰/۰۵۱- و با $p<0/012$ رابطه‌ی منفی و معنی‌داری با شوخ‌طبعی دارد. این نتیجه نشان‌گر آن است که با وجود مثبت بودن رابطه‌ی خودشکوفایی با شوخ‌طبعی

در فرضیه‌ی اول، در صورت اضافه شدن دو متغیر دیگر یعنی خوش‌بینی و شادمانی، این رابطه منفی می‌شود. بنابراین، در مجموع بر اساس جدول ۵ معادله‌ی رگرسیون نهایی (طی گام سوم، در تحلیل رگرسیون گام به گام) برای پیش‌بینی شوخ‌طبعی به شرح زیر است:

$$\text{شادمانی } (۰/۰۶۶) + \text{خودشکوفایی } (-۰/۱۱۶) + \text{خوش‌بینی } (۰/۸۵۳) = \text{شوخ‌طبعی } (۷/۶۹۸)$$

جدول ۵- ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد برای پیش‌بینی شوخ‌طبعی

معناداری	t	ضرایب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد		شاخص‌های آماری متغیرها
			خطای استاندارد	بتا	
۰/۱۵۶	۱/۴۲۱	-----	۵/۴۱۸	۷/۶۹۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۵/۸۱۹	۰/۶۹۸	۰/۰۵۴	۰/۸۵۳	خوش‌بینی
۰/۰۱۲	-۲/۵۱۴	-۰/۱۰۴	۰/۰۴۶	-۰/۱۱۶	خودشکوفایی
۰/۰۴۶	۲/۰۰۶	۰/۰۷۸	۰/۰۳۳	۰/۰۶۶	شادمانی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین رابطه‌ی بین هوش هیجانی و شوخ‌طبعی در دانشجویان دانشگاه انجام گرفت. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان داده شد که بین هوش هیجانی و کلیه‌ی مؤلفه‌های آن با شوخ‌طبعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این، از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، خودآگاهی هیجانی، خود ابرازی، حرمت نفس، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، انعطاف‌پذیری، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش و خوش‌بینی با شوخ‌طبعی دارای رابطه‌ی مثبت نیرومندی بودند. در واقع، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های مختلف مبنی بر رابطه‌ی هوش هیجانی با شوخ‌طبعی (مک‌گی، ۲۰۰۲؛ پیپ و مارتین، ۲۰۰۵) خودآگاهی هیجانی با شوخ‌طبعی (هامپس، ۲۰۰۱) عزت نفس با شوخ‌طبعی (کولینسون، ۱۹۸۸؛ مارتین، ۱۹۹۳؛ رادریگوس و کولینسون، ۱۹۹۵؛ تورسون و همکاران، ۱۹۹۷؛ آبرائوئیتز، ۲۰۰۰)، خودشکوفایی با شوخ‌طبعی فلسفی و غیر خصمانه (مزلو، ۱۳۷۵)، همدلی و روابط بین فردی با شوخ‌طبعی (روی، ۱۹۶۰؛ بل و همکاران، ۱۹۸۶؛ مستن، ۱۹۸۶؛ لفاوی و مانوئل، ۱۹۹۱؛ هامپس، ۱۹۹۲؛ سلتانوف، ۱۹۹۵؛ هامپس، ۱۹۹۹؛ هامپس، ۲۰۰۱؛ مارتین، ۲۰۰۱؛ کلی، ۲۰۰۲؛ مک‌گی، ۲۰۰۲؛ کیرش و کوئیپر، ۲۰۰۳)، واقع‌نگری با شوخ‌طبعی (مارتنز، ۲۰۰۴)، انعطاف‌پذیری

با شوخ‌طبعی (مک‌گی، ۲۰۰۴)، حل مسئله با شوخ‌طبعی (ایسن و همکاران، ۱۹۸۷؛ سولومون، ۱۹۹۶) تحمل فشار روانی با شوخ‌طبعی (مارتین و لفقورت، ۱۹۸۳؛ لابتوت و همکاران، ۱۹۹۰؛ کان و همکاران، ۱۹۹۹؛ ابل، ۲۰۰۲)، خوش‌بینی با شوخ‌طبعی (کورو تکو و هاناه، ۱۹۹۴؛ تورسون و همکاران، ۱۹۹۷)، شادمانی با شوخ‌طبعی (کوهن، ۲۰۰۱؛ مک‌گی، ۲۰۰۲)، هماهنگ و همسو می‌باشد. اما همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، خودشکوفایی کمترین رابطه را با شوخ‌طبعی داشته است. تبیین یافته‌ی فوق‌الذکر این است که بر اساس نظر مزلو (۱۳۷۵) افراد خودشکوفایی نوع خاصی از شوخی یعنی شوخی‌های فلسفی و غیر خصمانه را ترجیح می‌دهند، این در حالی است که در تحقیق حاضر، ابزار لازم برای اندازه‌گیری شوخ‌طبعی، اختصاصاً این‌گونه شوخی‌ها را مورد سنجش قرار نمی‌دهد. بنابراین، با وجود آن‌که در پژوهش حاضر، بین خودشکوفایی و شوخ‌طبعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، اما میزان این رابطه در مقایسه با سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی، پایین می‌باشد. علاوه بر این، همان‌طور که در مقدمه‌ی این مقاله مشخص گردید، در زمینه‌ی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و شوخ‌طبعی همین بس که هر دو با افزایش بسیاری از عوامل ارتقاء دهنده‌ی سلامتی مرتبط هستند. از یک‌طرف شوخ‌طبعی قرار داد که با کاهش اختلالات و بیماری‌های روانی و افزایش رفتارهای مرتبط با سلامتی در سلامت افراد نقش مهمی ایفاء می‌کند (به‌نقل از خشوعی، ۱۳۸۲) و از طرف دیگر هوش هیجانی است که در افزایش رفتارهای مرتبط با سلامتی (اسلسکی و کارترایت، ۲۰۰۲) نقش اساسی دارد. بنابراین، این وجوه مشترک می‌تواند یکی از مهم‌ترین دلایل احتمالی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و شوخ‌طبعی باشد.

از تحلیل رگرسیون در جداول ۳، ۴ و ۵ نیز می‌توان نتیجه گرفت که از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، سه مؤلفه‌ی خوش‌بینی، خودشکوفایی و شادمانی، توان پیش‌بینی شوخ‌طبعی را دارند. در زمینه‌ی تأیید پیش‌بینی شوخ‌طبعی با استفاده از خوش‌بینی با این‌که این مسئله کمتر از سایر مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، اما این رابطه را می‌توان این‌چنین تبیین کرد که مسلماً داشتن فکر مثبت و خوش‌بینانه به زندگی می‌تواند زمینه و بستری برای شوخ‌طبعی فراهم آورد. در زمینه‌ی پیش‌بینی شوخ‌طبعی با استفاده از خودشکوفایی، این نتیجه با عقیده‌ی مزلو (۱۳۷۵) هماهنگ است. به عقیده‌ی او، یکی از ویژگی‌های افراد خودشکوفایی داشتن شوخ‌طبعی فلسفی و غیر خصمانه است. نکته‌ی مهم در زمینه‌ی خودشکوفایی این است که با وجود مثبت بودن رابطه‌ی خودشکوفایی با شوخ‌طبعی در فرضیه‌ی اول، به‌علت اضافه شدن دو متغیر دیگر یعنی خوش‌بینی و شادمانی، ضریب بتا منفی می‌گردد. در تأیید خاصیت پیش‌بینی کننده‌ی شادمانی نیز این نتیجه با عقیده و دیدگاه مک‌گی (۲۰۰۲) مبنی بر این‌که انسان‌ها گاهی به این علت شوخی

می‌کنند که در آن لحظه شاد هستند، همسو می‌باشد. در مجموع، این سه مؤلفه از جمله مهم‌ترین ابزارهای تعیین‌کننده‌ی شوخ‌طبعی محسوب می‌شوند، بنابراین هر قدر اندازه‌گیری آن‌ها با دقت بیشتری انجام شود، در این صورت می‌توان از آن‌ها به‌عنوان یک پیش‌بین مناسب و اساسی در بررسی و پیش‌بینی شوخ‌طبعی در زمینه‌های مختلف استفاده کرد. در عین حال نیز می‌توان سه مؤلفه‌ی خوش‌بینی، خودشکوفایی و شادمانی را به‌عنوان مؤلفه‌هایی برای افزایش شوخ‌طبعی در نظر گرفت.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر تعدد سؤال‌های هوش هیجانی بار-آن و طولانی بودن آن‌ها بود که همین مسئله مشکلاتی از جمله عدم مشارکت برخی از دانشجویان در پاسخ دادن به سؤال‌ها و یا عدم پاسخ‌دهی به بخشی از آن‌ها را به‌دنبال داشت. محدودیت جامعه‌ی آماری پژوهش و نوع پژوهش نیز محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم یافته‌ها و تفسیرها ایجاد می‌کند که باید در نظر گرفته شود. برای بررسی دقیق‌تر رابطه‌ی هوش هیجانی با شوخ‌طبعی، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده تأثیر هوش هیجانی بر شوخ‌طبعی و بالعکس بررسی شود و در این امر عامل جنسیت و سن نیز در نظر گرفته شود. علاوه بر این، از آنجایی که بر اساس تحقیقات ییپ و مارتین (۲۰۰۶) توانایی ادراک هیجان‌ها (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی) به‌طور منفی با شوخی‌های خودتخریبی و پرخاشگرانه و به‌عقیده‌ی مزلو (۱۳۷۵)، شوخی‌های فلسفی و غیر خصمانه به‌طور مثبت با خودشکوفایی (به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش هیجانی) مرتبط است، بنابراین سایر پژوهشگران می‌توانند به بررسی تأثیر نوع شوخی در توانایی تنظیم و ادراک هیجان‌ها پردازند.

منابع

- خشوعی، م. س. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی شوخ‌طبعی*. اصفهان: انتشارات کنکاش.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). *هنجارهایی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه هوش هیجانی بار-اون بر روی دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه‌ی تحصیلی کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- گل‌پرور، محسن؛ آقایی، اصغر و خاکسار، فخری (۱۳۸۴). رابطه هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با پیشرفت‌گرایی شغلی در بین کارگران کارخانجات و صنایع. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، سال هفتم، شماره‌ی ۲۵، ۱۰۶-۷۵.
- مزلو، ابراهام اچ. (۱۳۷۵). *انگیزش و شخصیت*. ترجمه‌ی احمد رضوانی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

- Abel, M. H. (2002). Humor, stress, and coping strategies. *Humor: International Journal of Humor research*, 15 (4), 365- 381.
- Abramovitz, M. (2000). Humor can heal. *Current health* 2, 27 (4), 25.
- Bar-On, R. (1997). *Baron Emotional Quotient Inventory (BarOn EQ-i) technical manual*. Toronto, ON: Multi-Health Systems Inc.
- Bell, N. J., McGhee, P.E., & Duffey, N. S. (1986). Interpersonal competence, social assertiveness and the development of humour. *British Journal of Developmental Psychology*, 4(1), 51-55.
- Cann, A., Holt, K., & Calhoun, L.G. (1999). The roles of humor and sense of humor in responses to stressors. *Humor: International Journal of Humor Research*, 12(2), 177-193.
- Cohen M. (2001). Happiness and humour. A medical perspective. *Australian Family Physician*, 30(1),17-9
- Collinson, D.L. (1988). "Engineering humour': Masculinity, joking and conflict in shop-floor relations." *Organization Studies*, 9(2),181-199.
- Dawda, D., & Hart, S. D. (2000). Assessing emotional intelligence: Reliability and validity of the Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i) in university students. *Personality and Individual Differences*, 28(4), 797-812.
- Gardner, H. (1993). *Multiple intelligences: The theory in practice*. New York: Basic Books.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Gross, J.J. (1998). Antecedent-and response- focused emotion regulation: divergent consequences for experience, expression and physiology, *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(1), 224-237.
- Hampes, W. P. (1992). Relation between intimacy and humor. *Psychological Reports*, 71(1), 127- 130.
- Hampes, W. P. (1999). The relationship between humor and trust. *Humor: International Journal of Humor Research*, 12(3), 253-259.
- Hampes WP. (2001). Relation between humor and empathic concern. *Psychological Reports*, 88(1),241-244.
- Isen, A.M., Daubman, K.A., & Nowicki, G.P. (1987). Positive affect facilitates creative problem solving. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52 (6), 1122- 1131.
- Kelly W.E. (2002). An investigation of worry and sense of humor. *Journal of Psychology*, 136(6), 657-666.

- Kirsh, G.A., & Kuiper, N.A. (2003). Positive and negative aspects of sense of humor: Associations with the constructs of individualism and relatedness. *International Journal of Humor research*, 16 (1), 33- 62.
- Korotkov, D., & Hannah, T. E. (1994). Extraversion and emotionality as proposed superordinate stress moderators: A prospective analysis. *Personality and Individual Differences*, 16(5), 787-792.
- Kuiper, N.A., Martin, R. A. (1993). Humor and self-concept. *Humor: International Journal of Humor Research*, 6(4), 251-270.
- Labott, S. M., Ahleman, S., Wolever, M. E., & Martin, R. B. (1990). The physiological and psychological effects of the expression and inhibition of emotion. *Behavioral Medicine*, 16(4), 182-189.
- LaFave, L., & Mennell, R. (1976). Laughing Matter: A Symposium: Does Ethnic Humor Serve Prejudice?. *Journal of Communication*, 26(3), 116-123.
- Martens, W. (2004). Therapeutic Use of Humor in Antisocial Personalities. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 34(4), 351- 361
- Martin, R. A. (2001). Humor, laughter, and physical health. *Psychological bulletin*, 127 (4), 504-519.
- Martin, R.A., & Lefcourt, H. M. (1983). Sense of humor as a moderator of the relation between stressors and moods. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45(6), 1313-1324.
- Masten, A. S. (1986). Humor and competence in school-aged children. *Child Development*, 57(2), 461-473.
- McGhee, Paul. (2002). *Understanding and Promoting the Development of Children's Humor*. Kendall/Hunt.
- McGhee, Paul. (2004). *Humor and Health*. Wilmington :Corexcel.
- Thorson, J.A., Powell, F.C., Sarmany-Schuller, I., & Hampes, w.P. (1997). Psychological health and sense of humor. *Journal of Clinical Psychology*, 53(6), 605-619.
- Rodrigues, S.B., & Collinson, D.L. (1995). ‘‘Having fun’’: Humour as resistance in Brazil’. *Organization Studies*, 16(5), 739-768.
- Roy, D.F. (1960). Banana time: Job satisfaction and informal interaction. *Human Organization*, 18(4), 158-168.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, cognition and personality*, 9 (3), 185- 211.
- Slaski, M., & Cartwright, S. (2002). Health, performance and emotional intelligence: An exploratory study of retail managers. *Stress and Health*, 18(2), 63-68.

Solomon, J. C. (1996). Humor and aging well: A laughing matter or a matter of laughing? (Aging Well in Contemporary Society, Part 2: Choices and Processes). *American Behavioral Scientist*, 39 (3), 249-271.

Sultanoff, S. M. (1995). What is Humor. *Therapeutic Humor*, IX (3), 1-2.

Thorndike, E.L. (1920). Intelligence and its uses. *Harper's Magazine*, 140, 227-235.

Thorson, J.A., Powell, F.C., Sarmany-Schuller, I., & Hampes, W.P. (1997). Psychological health and sense of humor. *Journal of Clinical Psychology*, 53(6), 605-619.

Wong, C.S., & Law, K.S. (2002). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The Leadership Quarterly*, 13(3), 243-274.

Yip, J.A., & Martin, R. A. (2006). Sense of humor, emotional intelligence, and social competence. *Journal of Research in Personality*, 40(6), 1202-1208.